

هوشنگ سیحون

| 1299-1393 |

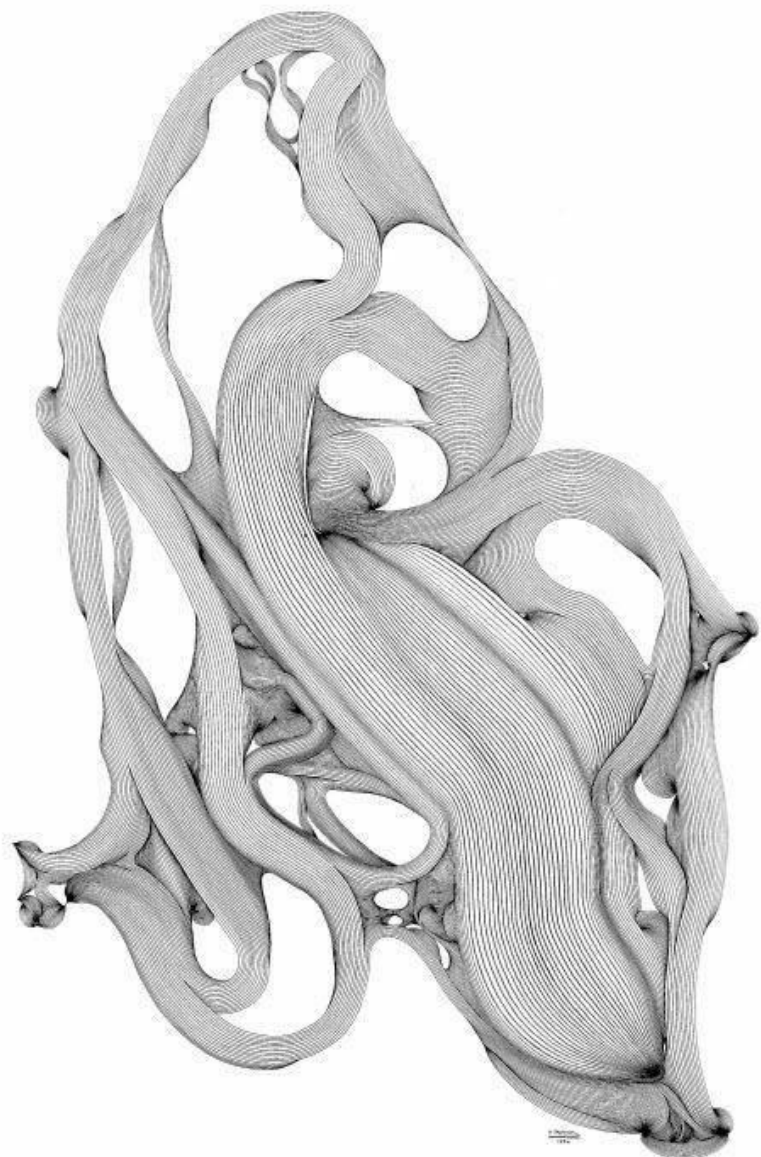


بیوگرافی

هوشنگ سیحون در 31 مرداد سال 1299 در تهران در خانواده‌ای اهل موسیقی چشم به جهان گشود.

وی پس از پایان تحصیل معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال 1223 به دعوت *آندره گدار* (رئیس وقت اداره باستان‌شناسی ایران) برای ادامه تحصیل به *دانش‌سرای عالی ملی هنرهای زیبای پاریس (بوزار)* رفت و در سال 1328 به درجه دکترای هنر رسید.

او پس از بازگشت به ایران تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران به عنوان دانشیار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشغول به کار شد و بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۷ ریاست دوره‌ای این دانشکده را برعهده گرفت. از فعالیت‌های او در این دوره تأسیس سه رشته شهرسازی، هنرهای نمایشی (مانند تئاتر) و موسیقی بود.



سمفونی خطوط، هوشنگ سیحون

بیوگرافی

سیحون در طول سال‌های فعالیت خود عضو شورای ملی باستان‌شناسی، شورای عالی شهرسازی، شورای مرکزی تمام دانشگاه‌های ایران و کمیته بین‌المللی ایکوموس (وابسته به یونسکو پیش از انقلاب ۱۳۵۷) بوده و به مدت ۱۵ سال مسئولیت بازسازی بناهای تاریخی ایران را برعهده داشته‌است.



چشم‌اندازی نزدیک روستای رودک، هوشنگ سیحون

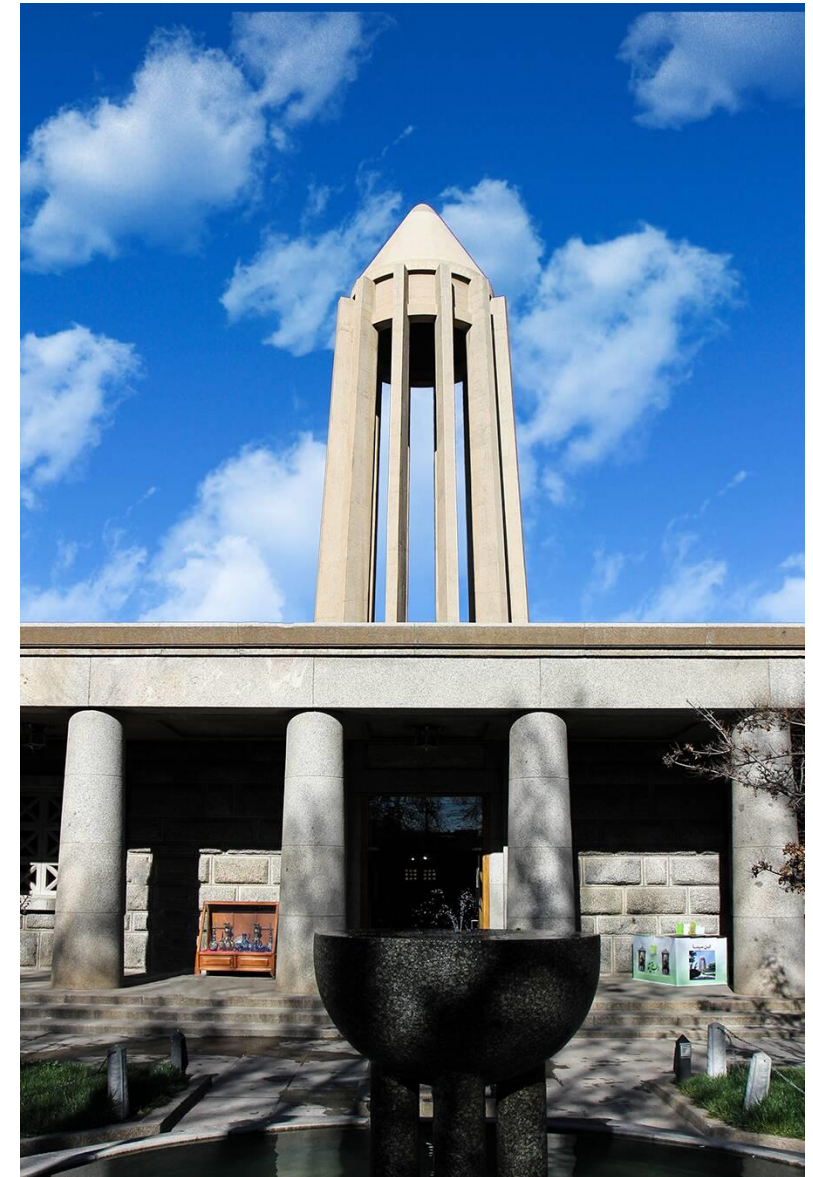
پروژه‌ها

هوشنگ سیحون در سن ۲۳ سالگی نخستین اثر معماری خود بنای یادبود آرامگاه ابن سینا را طراحی کرد.

از میان دیگر پروژه‌های طراحی و ساخته شده وی می‌توان به آرامگاه بزرگانی چون خيام، کمال‌الملک، ابن سینا، نادرشاه افشار، آرامگاه کلنل محمد تقی خان پسیان، مقبره عباس میرزا و بعضی دولتمردان قاجار، آرامگاه کمال‌الملک در نیشابور، ساختمان بانک سپه در تهران، مرکز فرهنگی یزد، مقبره فردوسی بزرگ.



آرامگاه خيام



آرامگاه بوعلی

پروژه‌ها

وی همچنین طراح بنای «موزه توس» در سال ۱۳۴۷ و همچنین ساختمان مرکزی بانک سپه در میدان امام خمینی تهران، مجتمع آموزشی فرج، ساختمان‌های سازمان نقشه‌برداری کشور، کارخانه نخریسی کوروس اخوان، کارخانه آرد مرشدی، مجتمع آموزشی یاغچی آباد، سینما آسیا، سینما سانترال (سینما مرکزی)، کارخانه کانادا درای (زمزم کنونی) در تهران و اهواز، کارخانه یخ‌سازی کورس اخوان و حدود ۱۵۰ پروژه مسکونی خصوصی را بر عهده داشته‌است.



موزه توس

سایه‌ها و نحوه برخورد او با معماری



آرامگاه فردوسی

راهی را که من در معماری پیش گرفته‌ام به طور خلاصه و به صورت فهرست ذکر می‌کنم. در معماری، قبل از هر چیز علاقه دارم منطق را همیشه در نظر داشته باشم. هیچ‌گاه هیچ چیز نباید بی منطق در معماری به کار برود، حتی کوچکترین خط و کمترین نقطه بایستی دلیل و معنی مخصوص به خود داشته باشد و مخصوصاً از فانتزی‌های بی‌معنی و بی‌مغز گریزانم.

حقیقت بایستی عریان و بی‌پرده در معماری خودنمایی کند ولو اگر گاهی اوقات زننده باشد، اطمینان دارم که حقیقت همیشه زیبایی و لطف مخصوص به خود را خواهد داشت.

آنچه می‌سازم با احتیاجات برنامه و صاحب کار بایستی مطابقت داشته باشد. هیچ چیز زیادتر یا کمتر از آنچه مورد احتیاج است نبایستی ساخته شود.

سیحون و نحوه برخورد او با معماری

با تزئینات زیاد از حد موافقت ندارم. زیرا اگر معماری به خودی خود کامل و زیباست احتیاجی به رنگ و روغن و تزئینات ندارد. حجمها و تناسبات وقتی زیبا نباشند هر قدر هم عوامل تزئینی به بنا اضافه کنیم تأثیری در زیبایی آن نخواهد داشت. سادگی و بی‌تکلفی را هدف خود می‌دانم. یک معمار خوب باید مثل یک شعر عالی ساده، سهل و ممتنع باشد. از شلوغی و درهم و برهمی بی‌اندازه گریزانم. نقشه ساده همیشه زود خوانده می‌شود و اشخاص را گمراه نمی‌کند.

طرح نقشه یک ساختمان مثل حل یک مسئله است. باید همیشه ساده ترین راه حل را در نظر گرفت و از راه‌های پیچ در پیچ صرف نظر کرد. برای هر یک از مصالح ارزش مخصوص به خودش را قائلم و همیشه سعی کرده‌ام با به کار بردن به موقع آن‌ها ارزش واقعی آن‌ها را به معرض دید بگذارم.

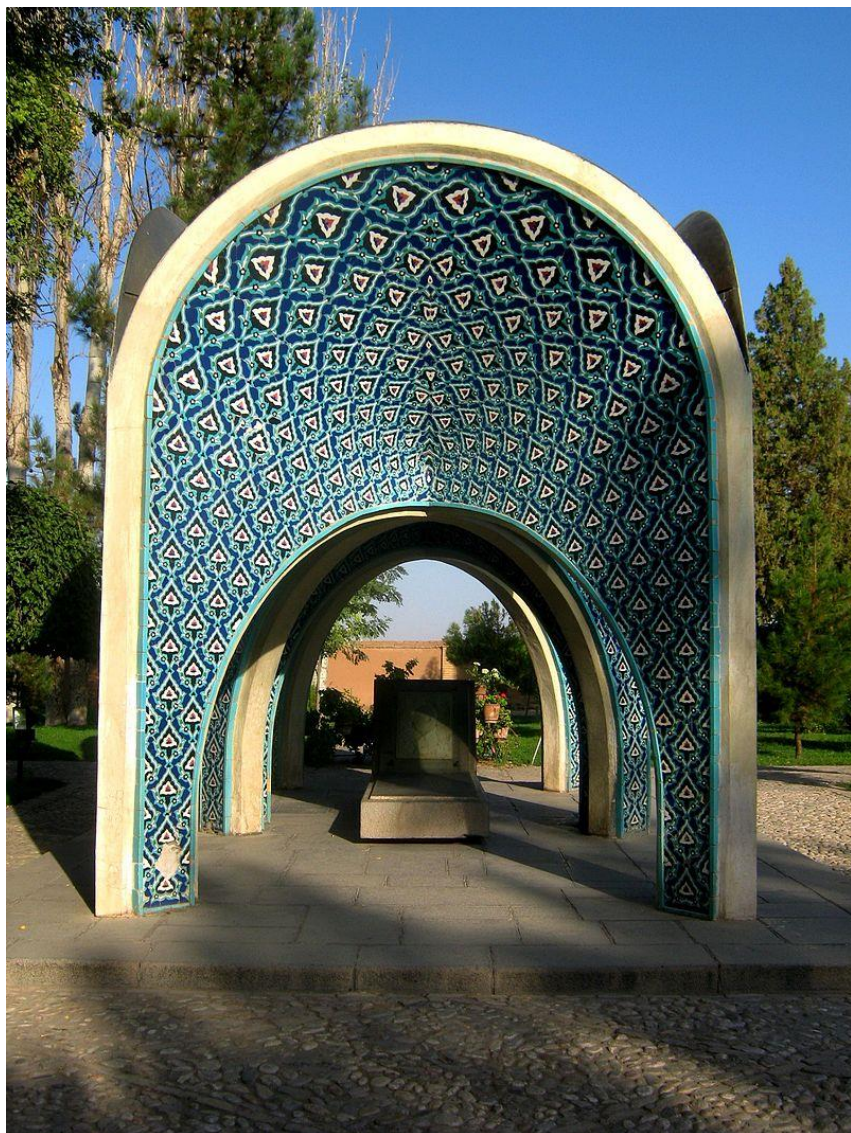


نمای درون آرامگاه فردوسی

سیدون و نحوی برخورد او با معماری

امکانات فنی و ساختمانی کشور خودمان را همیشه در نظر می‌گیرم و سعی می‌کنم با عوامل موجود [...] خود را تطبیق دهم.

برای معماری ایران از نظر کلاسیک اهمیت فوق‌العاده‌ای قائلم و در تمام موارد سعی می‌کنم از این منبع عالی و گرانبها به عنوان پایه و اساس استفاده کنم و الهام بگیرم و هدفم این است که معماری این کشور را به پایه‌ای برسانم که همان احترام خاصی را که در دوره‌های گذشته برای ما قائل بودند باز هم داشته باشند.



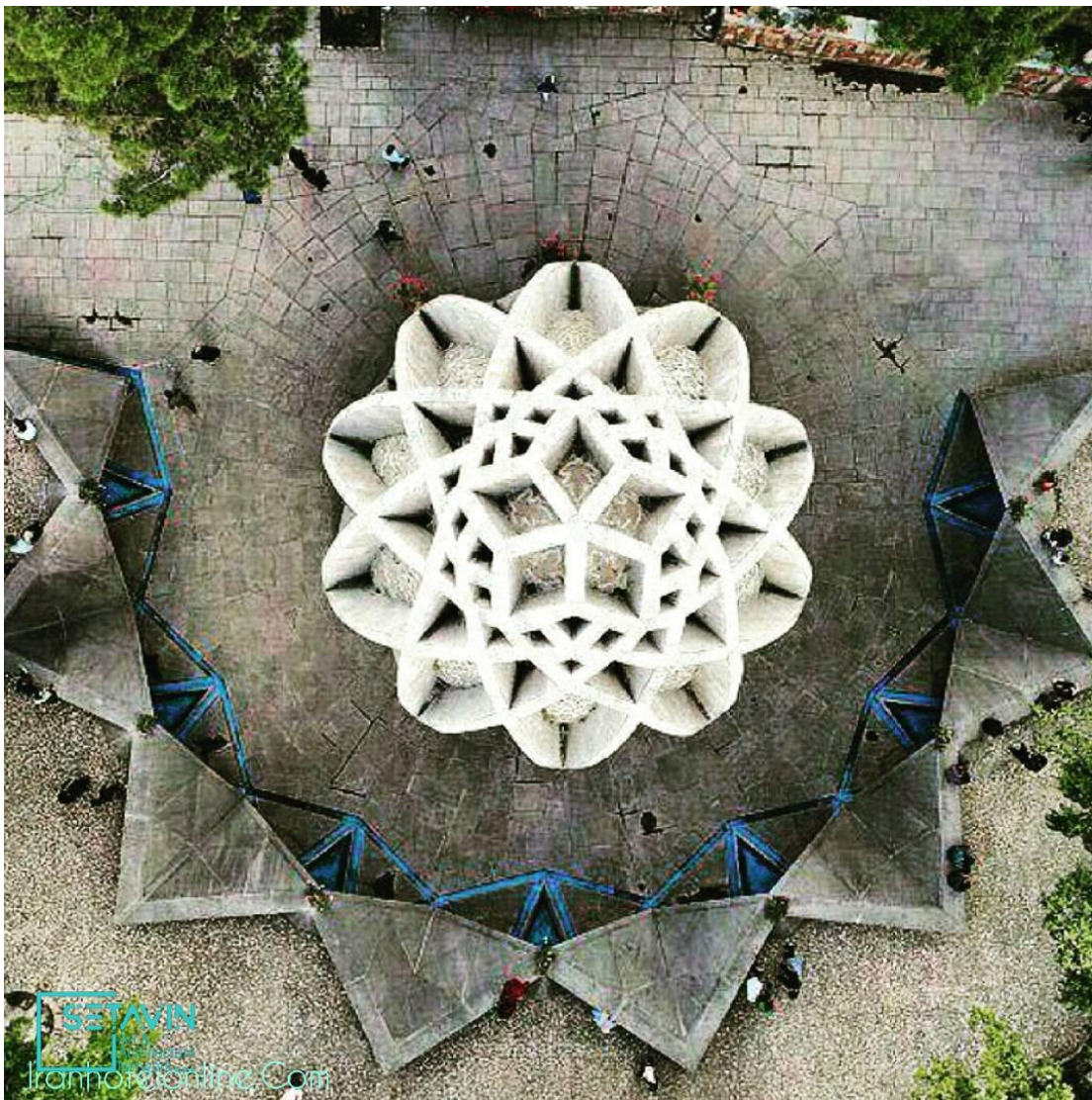
آرامگاه کمال‌الملک

سیدون و نحوهی نگاه او به هنر



شکافی بسیار بزرگ در دل تخته سنگ‌های شاهاندشت

در عالم هنر هر هنرمندی و هر دست‌اندرکار امور هنری باید اطلاعاتی مفصل و عمیق از گذشته هنر داشته باشد. این حتی کافی نیست و باید یک اطلاعات عمومی هم کسب کند. برای اینکه یک فرد هنرمند نه تنها باید به تکنیک و روش کار خودش بلکه به روش‌هایی که از گذشته متداول بوده و با مکاتب گذشته آشنایی مکفی داشته و آنها را مطالعه و تجزیه و تحلیل کرده باشد و بداند که هنر در آن رشته خاص از کجا حرکت کرده تا به اینجا رسیده و او در ادامه این سیر تحول چه رسالتی دارد. بنا بر این برای درست فکر کردن و درست عمل کردن باید از تاریخ و سوابق آن مطلب به خصوص اطلاع داشته باشد. چرا که یک هنرمند یا آرشیتکت هیچگاه از بطن مادر بیرون نمی‌آید، فرد باید برود مطالعه کند و آموزش ببیند و آثار ساخته شده را لمس کند و با اینها آشنایی پیدا کند که چرا و تحت چه شرایطی آن آثار بدان صورت ساخته شدند و حال که من می‌خواهم کاری انجام بدهم شرایط من چیست.



نمای بالای آرامگاه خیام

سیدون و نگاه او به «معماری اسلامی»

ما اصلاً چیزی به نام «معماری اسلامی» نداریم. این یک نامگذاری بی‌معناست. عربستان در زمان فتح ایران به دست اعراب مسلمان از هنر معماری بهره‌ای نداشت و آنان چیزی در این عرصه برای عرضه به تمدن‌های پیشرفته زمان مانند ایران و روم نداشتند. آنچه به نادرست «معماری اسلامی» نام گرفته در بنیاد خود هیچ نیست جز هنر معماری ایرانیان و دانش و ابداعات و فنون پیشرفته آنان در این زمینه در دوران ساسانیان. «معماری اسلامی» چیزی نیست جز یک نام نادرست برای همان معماری ایرانی. بنا بر این بهتر است به آن «معماری ایرانی دوران اسلام» گفته شود.



انجمن علمی دانشجویی مهندسی معماری
دانشگاه گلستان

